

عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شادی افراد در شهر تهران: با تأکید بر بیکاری تحصیل کردگان

زهرا عزیزی^۱، فاطمه السادات همایونی^۲

چکیده

تأثیر شادی بر فرآیند توسعه و تعالی جامعه سبب شده است که در دهه‌های اخیر این موضوع به‌عنوان یکی از مباحث مهم در علوم مختلف مطرح گردد. شناسایی عوامل مؤثر بر شادی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌های مناسب‌تری را جهت سوق دادن جامعه به سمت یک زندگی شادتر فراهم آورند. در این مطالعه تلاش شده است که به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر شادی افراد ساکن تهران در بازه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال با نمونه ۳۸۲ نفری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، پرداخته شود. بدین منظور دو الگوی مجزا با استفاده از تحلیل رگرسیون مورد برآورد قرار گرفته است. با توجه به اینکه نتایج الگوی اول نشان می‌دهد که بیکاری و تحصیلات اثر منفی و معناداری بر شادی داشته‌اند، در الگوی رگرسیون دوم فرضیه تأثیرگذاری منفی بیکاری تحصیل کردگان، با در نظر گرفتن اثر تعاملی این دو متغیر مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل تأییدکننده این فرضیه است که تأثیر منفی متغیر بیکاری بر شادی با افزایش سطح تحصیلات بیشتر می‌شود. سایر نتایج به دست آمده حاکی از آن است که درآمد خانوار، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار با شادی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: شادی، سرمایه اجتماعی، بیکاری، تحصیلات، بیکاری فارغ‌التحصیلان.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

^۱ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: z.azizi@alzahra.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: fatemeh.homayouni@srbiau.ac.ir)

مقدمه

اکثر انسان‌ها و شاید همه آن‌ها می‌خواهند شاد باشند؛ زیرا بشر از دیرباز به دنبال این بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند، چه اسبابی بیشتر موجبات جلب رضایت او را فراهم می‌کند و با چه سازوکارهایی می‌تواند از تنفس در این دنیا لذت و بهره بیشتری ببرد. این در حالی است که فشارهای مختلفی که در زندگی معمول انسان امروز از قبیل فشارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، روان‌شناختی و جمعیتی وجود دارد [که] همگی باعث تجربه کاهش رضایت و شادی افراد در زندگی روزمره می‌شود. بدین طریق برای بسیاری از مردم، شادمانی به صورت ناامیدکننده‌ای دور از دسترس باقی مانده است. شادی از یک سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه بوده و از سوی دیگر تأثیرگذار بر فرایند توسعه و تعالی جامعه است؛ به همین دلیل در نیمه قرن ۲۰ به عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

در دهه‌های اخیر، با مطرح شدن روزافزون اهمیت شادی در زندگی انسان‌ها و نقش آن به منظور مقابله با پیچیدگی‌ها و مشکلات زندگی امروز - به خصوص در کلان‌شهرها - معنای مقوله شادی فراتر از معنای تاریخی آن است که توسط روان‌شناسان ارائه می‌شد و امروزه شادی - حتی با وجود تغییرات شتاب‌گونه در زندگی - یکی از اصلی‌ترین نیازهای جامعه امروزی است. (امیرمظاهری، فخاریان، ۱۳۹۵: ۸).

از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد در نگاه سازمان ملل [متحد] برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها متغیرهای نشاط، امید به آینده، خوشنودی و رضایت‌مندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است. به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، خوشنودی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته قلمداد کرد که این نشان‌دهنده اهمیت شادی و نشاط می‌باشد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹؛ به نقل از: صفری شالی، ۱۳۸۷). برخی قراین و داده‌های آماری، بیانگر افول میزان شادی در جامعه ایرانی است. آمارهایی که تاکنون منتشر شده است، میزان شادی در جامعه ایران را کم و پایین‌تر از میانگین‌های جهانی ارزیابی کرده‌اند؛ و در آخرین گزارش شادکامی گالوپ^۱ مشاهده می‌شود که ایران رتبه ۱۰۶ از میان ۱۵۶ کشور را از آن خود کرده است و در این زمینه از جایگاه مناسبی برخوردار نیستیم^۲. نگران‌کننده‌تر آن که در بررسی روند شادی ملاحظه می‌گردد که نمره شادی طی دو دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ کاهش یافته است. (World Happiness Report, 2018). از سوی دیگر، به لحاظ شاخص‌های مؤثر بر شادی نیز در جایگاه مناسبی قرار نداریم. با توجه به آخرین گزارش مؤسسه لگاتوم^۳ که همه ساله برخی مؤلفه‌های رفاهی ۱۴۹ کشور جهان را بررسی و رتبه‌بندی می‌نماید، رتبه ایران در حوزه سرمایه اجتماعی ۵۵ و در حوزه اقتصادی ۹۴ و رتبه کلی ایران در این رتبه‌بندی ۱۰۸ می‌باشد^۴ (Prosperity Index, 2018 Legatum).

^۱- Gallup Company

^۲- «پرسش‌نامه جهانی ارزش» (VWS) طرحی است که از طریق پرسشنامه اقدام به کمی‌سازی میزان رضایت عمومی در کشورهای مختلف می‌کند. بر اساس نظرسنجی‌های انجام گرفته در قالب این طرح در سال ۲۰۱۰ ایران در میان ۴۶ کشور مورد بررسی رتبه ۲۶ را از نظر میزان «رضایت ذهنی» در اختیار داشت. در این نظرسنجی، میزان رضایت عمومی در کشورهای مختلف در بازه صفر تا ده کمی شده است. عدد بالاتر در این شبیه‌سازی کمی، بیانگر رفاه ذهنی بالاتر شهروندان است. میزان رضایت ذهنی شهروندان ایرانی با نمره ۶/۴ در حدود یک نمره از میانگین نمره رضایت عمومی در کشورهای مورد بررسی پایین‌تر است. از سوی دیگر در «گزارش جهانی شادمانی» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد ایران در میان ۱۵۷ کشور مورد بررسی با نمره ۴/۹ رتبه ۱۰۵ را در اختیار داشت. در محاسبه شاخص مورد بررسی در گزارش جهانی شادمانی، علاوه بر تورم و درآمد سرانه شاخص‌های هزینه سلامت، آزادی و حق انتخاب و حمایت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

^۳- Legatum

^۴- مؤسسه لگاتوم با بررسی بیش از ۹۸ عامل در قالب ۹ زیر شاخص کیفیت اقتصادی، محیط کسب و کار، حکمروایی، آموزش، بهداشت و سلامت، امنیت، آزادی‌های فردی، سرمایه اجتماعی و مسائل زیست‌محیطی تلاش دارد تا ورای مسائلی نظیر رشد اقتصادی یا افزایش ورود سرمایه‌گذار خارجی به یک کشور گام برداشته و تصویری دقیق‌تر از میزان و عمق رفاه و توسعه را در هر جامعه ارائه کند.

در رابطه با شهر تهران، مطابق گزارش NUMBEO^۱ در سال ۲۰۱۸ در بررسی شاخص کیفیت زندگی، رتبه شهر تهران در مقایسه با شهرهای کشورهای دیگر از میان ۵۲۶ کشور، ۴۳۳ بود^۲. این رتبه شرایط نگران‌کننده‌ای از وضعیت کیفیت زندگی در شهر تهران را نشان می‌دهد که این امر بر میزان ضرورت بررسی کیفیت زندگی می‌افزاید؛ بنابراین، با توجه گزارشات ارائه شده و وضعیت بحرانی ایران و شهر تهران در شاخص‌های مربوط به شادی مطالعه در این خصوص و از ابعاد مختلف، ضرورت دارد. از سوی دیگر یکی از مسائلی که به ویژه در سال‌های اخیر دامن‌گیر اقتصاد کشور شده معضل بیکاری است که سبب نارضایتی بسیاری از افراد جامعه گردیده است. طبق آمارهای اعلام شده از طرف مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶ سهم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از بیکاری کشور ۴۰/۵ درصد است و متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل رشد فزاینده دانشگاه‌ها روندی صعودی داشته است. بر اساس نظریات موجود این مسأله می‌تواند سطح شادکامی جامعه را به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر قرار دهد. طبق بررسی‌های انجام شده توسط محققین آزمون تجربی این مسأله مورد توجه قرار نگرفته و در این مقاله برای اولین بار توسط یک پژوهش پرسشنامه‌ای و با استفاده از تحلیل رگرسیون در افراد ۶۵-۱۸ سال ساکن تهران مورد آزمون قرار می‌گیرد.

پیشینه تجربی پژوهش

پیشینه و قدمت توجه به موضوع شادی را می‌توان به ازای تاریخ خلقت بشر دانست. چراکه آدمی همواره به دنبال این بوده است که چگونه خود را از دردها و رنج‌ها رها سازد و از حال بد به حال خوب تغییر وضعیت دهد؛ بنابراین احساس شادی، نشاط، شادمانی یا شادکامی، چیستی شادی، چگونگی تأمین و مواد سازنده آن از مواردی هستند که برای سالیان متمادی اذهان محققان را به خود مشغول داشته‌اند. این مسئله فیلسوفانی چون ارسطو، افلاطون، مکاتب تجربه‌گرایی، مدافعان فایده‌گرایی و به‌طور کلی همه نویسندگانی که به تاریخ فلسفه پرداخته‌اند، به تحقیق در باب ماهیت شادی و شادکامی و راهبردهای نیل به آن مشغول کرده است. تأثیرپذیری این مقوله از ساختارهای متعدد جامعه و تأثیرگذاری آن بر فرایند توسعه و تعالی جامعه، سبب شد که در نیمه قرن بیستم، احساس شادی و نشاط به مثابه یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان، برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شود (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). همچنین از سال ۲۰۰۰ به بعد نیز در رویکرد سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل در تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورهای جهان تغییراتی صورت گرفته و متغیرهایی همچون شادکامی اجتماعی، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های کلیدی وارد محاسبات شده‌اند (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸). از این رو است که در سال‌های اخیر پژوهش‌های پیرامون «شادی» افزایش چشمگیری داشته است. در این قسمت به بررسی اهم مطالعات تجربی انجام شده در زمینه عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی به ترتیب مطالعات داخلی و خارجی پرداخته شده است:

پیشینه‌های داخلی

■ منتظری و همکاران (۱۳۹۷): در این مطالعه جمعیتی به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) شادکامی ۱۴۲۳۹ نفر زنان و مردان ۲۰ تا ۴۰ سال ساکن شهرها و روستاهای کشور با استفاده از پرسشنامه استاندارد شادکامی آکسفورد مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میان شادکامی و متغیرهای سن، جنسیت، تعداد سال‌های تحصیل و محل سکونت ارتباط معنی‌دار وجود نداشت. ولی افرادی که سطح درآمد خود را بد/خیلی بد گزارش کرده بودند، میزان شادکامی کمتری نسبت به افرادی داشتند که سطح درآمد خود را خیلی خوب/خوب گزارش کرده بودند. همچنین شادکامی افراد بیکار کمتر از افراد شاغل بود.

۱- پایگاه اینترنتی NUMBEO بزرگ‌ترین پایگاه داده در جهان است که اطلاعات جدیدی را در مورد شرایط زندگی در شهرها و کشورهای جهان از جمله هزینه‌های زندگی، شاخص مسکن، مراقبت‌های بهداشتی، ترافیک، جرم و جنایت و آلودگی نشان می‌دهد.

۲- <https://www.numbeo.com/cost-of-living/in/Tehran>

- خورسندی و عزیزی (۱۳۹۵): نقش نرخ بیکاری و میزان آن را بر شادی مورد بررسی قرار داده‌اند. روش تحقیق بر اساس یک مدل رگرسیون داده‌های پانل در دو مقطع زمانی (۲۰۰۷-۲۰۰۵) و (۲۰۱۲-۲۰۱۰) و ۱۴۶ مقطع عرضی است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است اثرگذاری بیکاری بر شادی به میزان نرخ آن بستگی داشته و با افزایش سطح بیکاری و بالاتر رفتن آن از نرخ آستانه‌ای، اثر منفی بیکاری بر شادی تشدید می‌گردد. هم‌چنین بیکاری بیش از تورم بر شادی و رفاه اثر منفی دارد.
- عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵): در این تحقیق پیمایشی میزان شادی ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است بین شادی در میان افراد مورد مطالعه و اشکال سرمایه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد. از بین انواع سرمایه‌ها از بین انواع سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی بیشترین نقش را در تبیین شادکامی دانشجویان داشت و در میان ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی، بعد انسجام اجتماعی در قیاس با ابعاد دیگر آن تأثیر بیشتری بر شادکامی دانشجویان دارد. هم‌چنین تأثیر سرمایه فرهنگی بر شادکامی بیشتر از سرمایه اقتصادی بود و سرمایه اقتصادی کمترین تأثیر را در تبیین واریانس شادکامی داشت. در مجموع، می‌توان گفت برای افزایش شادکامی دانشجویان، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مهم‌تر از مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی قلمداد می‌شوند.
- کریمی فیروزجایی (۱۳۹۵): در این پژوهش پیمایشی تعداد ۳۸۲ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر بابل به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد تشکیل‌دهنده آن (تعامل اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی) با شادی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، نهادی و عینی) نیز رابطه معنادار معکوس مشاهده شد، به این صورت که هرچه سرمایه فرهنگی بیشتر باشد میزان شادی کمتر است و بالعکس. در حالی که متغیر سرمایه اقتصادی با شادی رابطه معناداری ندارد. در مجموع، می‌توان گفت برای افزایش شادی شهروندان، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی مهم‌تر از مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی قلمداد می‌شود.
- محمدیان منصور و همکاران (۱۳۹۴): در این پژوهش عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی بررسی شده است. بدین منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ بیکاری، امید به زندگی، متوسط سال‌های تحصیل و محدودیت‌های مذهبی و تخمین‌زن GLS و اطلاعات مقطعی ۶۱ کشور در سال ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج حاکی از وجود یک رابطه خطی بین درآمد سرانه و شادی است؛ به گونه‌ای که با افزایش درآمد، شادی نیز افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری اثر کاهنده و متوسط سال‌های تحصیل نیز در سطح معناداری پایین‌تری نسبت به سایر متغیرهای مدل، اثر مثبت بر شادی دارد. افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی با شادی کم‌تری در جوامع همراه شده است. در یک نتیجه‌گیری کلی حاصل از بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی می‌توان گفت کشورهای ثروتمندتر، با نرخ بیکاری و محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و با متوسط عمر و سطح تحصیلات بالاتر، شادتر هستند.
- افشاری و دهمرده (۱۳۹۳): با استفاده از داده‌های پانل ۱۰۰ کشوری، به بررسی اثر سه متغیر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ پرداخته‌اند. بدین منظور از داده‌های پانل یک نمونه ۱۰۰ کشوری به تفکیک دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه استفاده کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دو گروه کشورهای مورد مطالعه، فقر اثر منفی بر شادکامی دارد، ولی بهبود توزیع درآمد شادکامی را افزایش می‌دهد.

- منتظری و همکاران (۱۳۹۱): در این مطالعه ۲۷ هزار و ۸۱۳ نفر از افراد دارای سن ۱۸ تا ۶۵ سال در سطح کشور ایران از نظر «میزان شادکامی» مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روش این پژوهش به صورت مقطعی و جمعیت تحت مطالعه به صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای وارد مطالعه شدند. نتایج حاصل از سنجش اثر عوامل مختلف بر میزان عدم شادکامی افراد مورد مطالعه نشان داده است با سن افراد، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی، میزان سلامت و محل سکونت ارتباط معناداری با میزان شادکامی افراد داشته دارد.
- نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱): در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران با تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با رفاه ذهنی مربوط به ۴۲۶۰ مشاهده طی دو سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش به‌طور کلی از تأثیر عوامل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جمعیت سطح رفاه شهروندان ایرانی حکایت دارند.
- زارع (۱۳۹۰): در بررسی «شادکامی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان کرمانی» با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسید که بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، شغل، منطقه مسکونی، ارزش‌های فرهنگی، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، احساس محرومیت نسبی، دین‌داری و پایگاه اقتصادی با شادکامی رابطه معنادار وجود دارد. در مجموع متغیرهای مستقل ۴۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (شادکامی) را تبیین کرده اما بیشترین تأثیر را سرمایه اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و سپس سرمایه فرهنگی بر شادکامی داشته‌اند.

پیشینه‌های خارجی

- آگان^۱ و همکاران (۲۰۱۶): اثر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان مانند بیکاری، تورم و درآمد سرانه را بر شادی مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از متوسط شادی محاسبه شده برای مردم ۵۷ کشور طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۵ به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. به عبارت دیگر، این مطالعه از داده‌های مقطعی بین‌کشوری به جای داده‌های فردی استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد، بیکاری و تورم باعث کاهش شادی در سطح کلان شده و درآمد سرانه، اثر مثبت دارد.
- آبوت و ساپسفورد^۲ (۲۰۰۶): پژوهشی با عنوان «شادی و رضایت از زندگی در روسیه و اوکراین» انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که سرمایه انسانی، شرایط مادی (وضعیت اقتصادی)، زمینه اجتماعی (حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی)، میزان رضایتمندی از درآمد، امکانات خانوادگی با میزان شادی و رضایت از زندگی افراد مورد مطالعه دارای رابطه مستقیم است.
- بارتولینی و سارکینو^۳ (۲۰۱۱) اثرگذاری سرمایه اجتماعی و تولید ناخالص داخلی را بر رفاه ذهنی شامل شاخص‌های شادی و رضایت از زندگی، در سه دوره کوتاه‌مدت (۲ ساله) میان‌مدت (۶ ساله) و بلندمدت (۱۵ ساله) بررسی نموده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که سرمایه اجتماعی در کوتاه‌مدت تأثیر کمتر ولی در بلندمدت تأثیر بیشتری بر رضایت از زندگی داشته است. این در حالی است که در مورد تولید ناخالص داخلی نتیجه کاملاً عکس این است؛ یعنی در کوتاه‌مدت اثر بیشتری داشته اما در بلندمدت این اثر کمرنگ می‌شود.
- نابه و راتزل^۴ (۲۰۱۰): در مطالعه‌ای رابطه بین درآمد و شادی را در بین افراد فعال (۱۸ تا ۶۵ سال) در کشور آلمان طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۹ بررسی نموده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که تأثیر درآمد بر شادی مثبت است اما بعد از یک حد مشخص این اثر منفی می‌شود.

1- Agan

2- Abbott & Sapsford

3 - Bartolini & Sarracino

4 - Knabe & Ratzel

- بوسلز و سارین^۱ (۲۰۰۸): در پژوهشی در پی پاسخ به این پرسش است که چرا افراد معتقدند که پول بیشتر شادی بیشتری می‌آورد (درحالی که چنین نیست)؟ در این تحقیق، پژوهشگران مدلی را برای تدوین این معما عنوان می‌کنند. این مدل دو مفهوم سازگاری و مقایسه اجتماعی را به هم مرتبط می‌سازد. شخص عاقلی که پویایی این دو عامل را توجیه می‌کند، شادی بیشتر را با پول می‌خرد. در اینجا سوگیری فرافکنانه وجود دارد که دارای دو اثر است: اثر اول آن می‌تواند این باشد که افراد شادی به دست آمده از پول را بیش از اندازه بدانند؛ دوم اینکه این سوگیری می‌تواند به این موضوع منجر شود که افراد در اختصاص بودجه مصرفشان دچار اشتباه شوند.
- تیان و یانگ^۲ (۲۰۰۸): پژوهشی با عنوان «عوامل درآمدی و غیر درآمدی در ارتقاء شادی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟» پاسخی به پارادوکس استرلین داده‌اند. هدف از این مطالعه توسعه نظریه اقتصاد رسمی به منظور توضیح پارادوکس استرلین (سطوح متوسط شادی لزوماً به همراه ثروتمند شدن کشورها افزایش نمی‌یابد) است. در راستای یافته‌های تجربی موجود، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که درآمد باعث افزایش شادی می‌شود، اما تنها تا یک نقطه معین (نقطه‌ای که اندازه آن توسط سطح عوامل غیر درآمدی در اقتصاد معین می‌شود)، اما هنگامی که سطح عوامل غیر درآمدی به دست آمد، افزایش این نقطه درآمدی که قبلاً نیز افزایش یافته بود، منجر به تخصیص ناکارآمدی مورد نظر پارتو می‌شود و شادی افراد را کاهش می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که ورای نقطه بحرانی، افزایش درآمد به تنهایی تأثیری بر شادی اجتماعی ندارد و مهم‌تر آن که سطح درآمد در این نقطه با سطح عوامل غیر درآمدی موجود در جامعه، مشخص می‌شود و بهبود عوامل غیر درآمدی می‌تواند باعث افزایش این نقطه بحرانی درآمدی شود. نتایج این تحقیق هم‌چنین عبارت بودند از این که دولت باید به تقویت رشد متعادل میان عوامل درآمدی و عوامل غیر درآمدی پردازد.
- هالر و هادلر^۳ (۲۰۰۶): با استفاده از آمارهای بین‌المللی که از ۴۱ کشور بر اساس پیمایش جهانی ارزش‌ها در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۷ جمع‌آوری شده بود، پژوهشی در این خصوص که چگونه روابط و ساختارهای اجتماعی می‌تواند شادی و ناشادی تولید کنند، انجام دادند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که روابط اجتماعی خوب و به هم پیوسته (سالم و متراکم)، موفقیت‌های شغلی و حرفه‌ای، جهت‌گیری‌ها و مشارکت‌های اجتماعی - فرهنگی (مذهبی و نوع‌دوستانه)، شرایط کلان اقتصادی برابر و عادلانه وضعیت رفاه و دموکراسی سیاسی بر شادی افراد جامعه اثر گذارند.

مبانی نظری پژوهش

شادی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت زندگی اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر شادی به این معنا است که فرد چگونه از زندگی خود لذت می‌برد (وینهون^۴، ۱۹۸۸). موضوع شادی دارای جنبه‌های گوناگون فردی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و ... است؛ بنابراین می‌بایست نظریات مختلف که از ابعاد گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار گیرند. اهم این نظریات به شرح ذیل است:

نظریه خواسته‌ها

بر اساس این نظریه شادکامی و خوشبختی به معنای دستیابی به خواسته‌ها است و زمانی که فرد خواسته خود را در قالب «دستیابی به شادی و رهایی از غم» تعریف می‌کند، نظریه خواسته‌ها نظریه لذت‌گرایی را نیز در برمی‌گیرد (سیلگمن و رویمن، ۲۰۰۳: ۸).

1- Baucells & Sarin

2- Tian & Yang

3- Haller & Hadler

4- Veenhoven

نظریه فهرست اهداف

نوسبام^۱، اساس شادکامی را بر دستیابی به اهداف می‌داند. بر اساس نظریه «فهرست اهداف» چیزهای حقیقتاً ارزشمندی در دنیا وجود دارند و شادکامی، عبارت است از دستیابی به تعدادی از این اهداف حقیقتاً ارزشمند؛ اموری چون شغل، دوستی، آموزش، معرفت، راحتی و رفاه مادی و سلامتی. طبق نظریه نوسبام، «اهداف»، تنها جزء شادکامی به شمار می‌روند. اهداف نیز می‌توانند به تناسب دیدگاه‌های افراد، متغیر باشند؛ بنابراین، کامیابی در تحقق اهداف، عامل شادکامی به شمار می‌رود. شاید بتوان این نظریه و نظریه پیشین را با بحث موفقیت و کامیابی پیوند زد و به وسیله آن، احساس شادکامی را تبیین نمود. تحقق خواسته‌ها و دستیابی به اهداف، به معنای کامیابی انسان است و احساس کامیابی، موجب شادکامی و رضایت‌مندی می‌گردد (پسندیده، ۱۳۹۵: ۶۵۸).

نظریات نتیجه‌غایی

این نظریات که بر محور اهداف می‌چرخند، بر این امر تأکید می‌کنند که شادمانی زمانی به وجود می‌آید که برخی اهداف یا نیازها تأمین شود و آرزوهای افراد برآورده شوند، زیر پیشرفت به سمت اهداف و استانداردها موجب به وجود آمدن عواطف و احساسات مثبت می‌شود و عکس آن، عواطف و احساسات منفی را باعث می‌شود. از طرفی این تئوری بیان می‌کند که علت‌های شادی، جهانی نبوده بلکه وابسته به اهداف و آرزوهای افراد در یک محیط خاص است (گنجی، ۱۳۸۷: ۶۴).

نظریه مقایسه اجتماعی

این نظریه بیانگر آن است که شیوه‌های ارزیابی افراد از خود و زندگی‌شان با مقایسه خود با دیگران انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، ویلز (۱۹۸۱) تعدادی از یافته‌های گوناگون را جمع‌آوری کرد که از این فرضیه حمایت می‌کرد که مردم می‌توانند سلامت ذهنی خود را در مقایسه با افرادی که کمتر خوشبخت هستند، افزایش دهند. او نتیجه گرفت که اغلب مردم، خود را با افراد بالاتر از خود مقایسه می‌کنند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۸۱-۸۰).

نظریه تئوری‌های فرایند یا فعالیت

مدل‌هایی از شادکامی وجود دارند که در آن‌ها شرکت در یک فعالیت، به خودی خود، شادی آور است. در بارزترین نمونه این مدل‌ها، چیک زنت میهالی^۲، این‌گونه عنوان کرد که هنگامی که افراد در فعالیت‌هایی شرکت می‌کنند که با توانایی‌های آن‌ها مطابقت دارد، در اوج شادکامی به سر می‌برند. وی این حالت ذهنی را که ناشی از هماهنگی بین چالش و مهارت است، «غرقه شدن» نامید و چنین بحث کرد که مردمی که اغلب غرقه شدن را تجربه می‌کنند، احتمالاً شادی بیشتری احساس می‌کنند. طبق نظریه چیک زنت میهالی، «فعالیت‌های متناسب با توانمندی‌ها» تک جزء شادکامی‌اند. از این رو، مشارکت در این‌گونه فعالیت‌ها، عامل شادکامی به شمار می‌رود (پسندیده، ۱۳۹۵: ۶۶۱).

چارچوب مفهومی پژوهش

شادی اگرچه حالتی روانی است، اما از عوامل متعددی من جمله عوامل شخصی، اجتماعی و اقتصادی متأثر است. مطالعات انجام شده در حوزه شادکامی نشان‌دهنده آن است که «سرمایه اجتماعی» از عوامل و متغیرهای مهم و اثرگذار بر شادکامی است. مطابق با چارچوب نظری، در این پژوهش سرمایه اجتماعی؛ شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

- اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۱۲۲).
- انسجام اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، اجزای تشکیل‌دهنده جامعه، به گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که کل معنادار و مؤثری را به وجود می‌آورند؛ به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که

^۱- Nussbaum

^۲- Csikszentmihalyi Mihaly

تضمین می‌کند افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، به اشتراک ذهنی (مدل ذهنی مشترک) برسند، به قوانین و قواعد آن تن دهند، از امکانات آن استفاده کنند و در مقابل توانایی‌های خویش را بر اساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی کنند، پرورش دهند و در جامعه مشارکت فراگیر و مؤثر داشته باشند که این وضعیت، ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را توسعه می‌دهد (متوسلی و زبیری، ۱۳۹۲: ۴۹).

- مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت کم و بیش آشکار فرد در حیات اقتصادی، فرهنگی و تقبل مسئولیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مدنی و نظایر آن (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۸۱).

صرف‌نظر از مطالعات تجربی انجام شده که بیان‌گر اثرپذیری شادکامی از سرمایه اجتماعی است، از منظر تئوریک و تحلیلی نیز می‌توان مکانیسم اثرپذیری شادکامی از سرمایه اجتماعی را توضیح داد. شادکامی متأثر از کارکردهای مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از طریق گسترش و توسعه اعتماد اجتماعی، مناسبات انسانی را در جامعه بیشتر می‌کند. شبکه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی عوامل اساسی در ایجاد حمایت‌های اجتماعی هستند که خود نقش بسیار مهمی در ایجاد شادی دارد. از این منظر، شادکامی تا اندازه زیادی تابعی از حمایت‌های اجتماعی است که افراد از محیط پیرامون خود کسب می‌کنند. به همین سبب افرادی که وضعیت اقتصادی مناسبی دارند، اما از شبکه‌های اجتماعی خوب و حمایت‌گر برخوردار نیستند، خود را چندان شادکام نمی‌یابند. از این رو است که شبکه‌های اجتماعی به‌خصوص در دنیای جدید اهمیتی اساسی یافته است (نصرتی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

علاوه بر تأثیر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی بر شادکامی از طریق ایجاد شبکه‌ها و انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی نیز که مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است، تأثیر بسیار زیادی بر شادکامی دارد. از نظر اندیشمندان این حوزه، سرمایه اجتماعی از طریق توسعه و گسترش اعتماد اجتماعی زمینه تعامل افراد را با کسانی که شناختی از آن‌ها را ندارند، فراهم می‌کنند. اغلب اندیشمندان سرمایه اجتماعی بر این باورند که تعامل‌های اجتماعی رو در رو به‌صورت مستقیم منجر به زندگی‌های شادتر می‌شود (بورنسکو، ۲۰۰۷: ۱۳). از این منظر سرمایه اجتماعی با توسعه اعتماد تعمیم‌یافته، زمینه کنش‌های متقابل اجتماعی را بیش از پیش فراهم می‌آورد؛ کنش‌هایی که بنیان همه مناسباتی است که در جامعه جریان دارد. از این رو، حتی اگر به کارکرد شبکه‌سازی که بنیان حمایت‌های اجتماعی را برای افراد فراهم می‌کند، نظر نداشته باشیم، سرمایه اجتماعی با فراهم کردن زمینه کنش‌های اجتماعی و به تبع آن، ایجاد ارتباط انسانی، زمینه اثرگذاری بر شادکامی را فراهم می‌سازد.

عوامل اقتصادی نیز بر مبنای نظریه مازلو^۱ به‌عنوان «نیازهای اولیه»، پیش شرط تحقق سایر نیازها است؛ به عبارت دیگر «سرمایه اجتماعی» و «سرمایه اقتصادی» لازم و ملزوم یکدیگرند و در تحقق مسأله رضایت از زندگی و به تبع آن دستیابی به شادکامی در کنار یکدیگر به‌طور مؤثر ایفای نقش می‌کنند.

در رابطه با عوامل اقتصادی مؤثر بر شادکامی، استرلین (۱۹۷۴) سعی در ترکیب تئوری‌های اقتصادی و روان‌شناختی داشته و اظهار می‌کند شادکامی کلی فرد به فاصله کم بین آرزوها و سطح دستیابی در هر کدام از حوزه زندگی (درآمد، زندگی خانوادگی، شغل و ...) و هم‌چنین اهمیت نسبی هر حوزه به لحاظ کارکرد مطلوبی که برای فرد دارد؛ وابسته است. وی همبستگی بین رشد اقتصادی و شادی افراد را مورد آزمون قرار داد. نتیجه بررسی ۲۰ ساله استرلین حاکی از آن بود که با وجود رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا سطح شادی افزایش چندانی از خود نشان نمی‌دهد، این مسأله بعدها به «تناقض استرلین»^۲ معروف شد (محمدیان منصور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). استرلین معتقد است که نتیجه فوق به این دلیل است که شادمانی نسبی است: افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، خود را در مقام قیاس با دیگران قرار می‌دهند، پس سطح رشد اقتصادی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند (به صورت

1- Maslow

2 - Easterlin Paradox

یک متغیر کلان) بر شادکامی افراد آن جامعه اثری نخواهد گذاشت (عسگری‌زاده، ۱۳۸۹: ۸)؛ اما اثر درآمد بر شادکامی در بسیاری از مطالعاتی که از داده‌های خرد و یا مقطع زمانی بهره برده‌اند مورد تأیید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال بارتولینی و سارکینو (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که در کوتاه‌مدت اثر درآمد بر شادی مثبت و بیشتر از بلندمدت بوده است. مطالعات دیگری نیز در سال‌های اخیر این تأثیر را مورد تأیید قرار داده‌اند به‌طوری که نابه و راتزل^۱ (۲۰۱۲)، روپراه و لیوانگاس^۲ (۲۰۱۰)، ساکس و همکاران^۳ (۲۰۱۲) و داینر و همکاران^۴ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که رشد اقتصادی و یا درآمد افراد می‌تواند منجر به بهبود رضایت آن‌ها از زندگی و شادکامی شود.

بیکاری دیگر متغیر اقتصادی است که باعث عدم شادکامی در افراد می‌گردد. این در حالی است که از دیدگاه اقتصاد نئوکلاسیک که بر انعطاف کامل دستمزدها و وجود تعادل در بازارها از جمله بازار کار تأکید دارد، بیکاری امری ارادی است و به عبارت دیگر، افراد به میل و خواست خود در سطح دستمزدهای موجود تصمیم می‌گیرند بیکار باشند. اگر افراد به‌طور ارادی تصمیم به بیکاری گرفته باشند ممکن است شادتر باشند. اگر شاغل شدن فقط منفعت مالی داشته باشد، افرادی که با یک درآمد یکسان بیکارند، باید نسبت به افرادی که با همان سطح درآمد شاغل می‌باشند، در یک سطح شادی قرار داشته باشند؛ اما اگر اشتغال به غیر از منفعت مالی، یک احساس شادی اضافه‌تر هم داشته باشد، آنگاه بیکاران ارادی هم کمتر شاد هستند (خورسندی و عزیزی، ۱۳۹۵: ۶۶-۶۷).

آرگایل و لو^۵ معتقدند که بیکاری و ترس از نداشتن شغل، یکی از بزرگ‌ترین منابع ناشادی در دنیای مدرن است. البته نه صرفاً به دلیل این که افراد غیر شاغل، پول کمتری دارند تا خرج کنند، بلکه به آن دلیل که کیفیت زندگی افراد بیکار به شدت نزول می‌کند؛ چراکه وی احساس می‌کند از جمع رانده شده و کسی به او اعتنا نکرده و عزت نفس او لطمه دیده است. از دیدگاه روان‌شناسان، فرد بیکار منزلت اجتماعی خود را در خطر می‌بیند، از این رو دچار ناامیدی و عدم رضایت می‌شود (همان: ۶۷).

این مسأله می‌تواند در فارغ‌التحصیلان آموزش عالی پررنگ‌تر باشد چراکه این افراد اغلب بیکاری غیر ارادی را تجربه می‌کنند. تحصیلات بالاتر به خودی خود می‌تواند منجر به شادکامی بیشتر در افراد شود. نتایج مطالعات کمپبل و همکاران^۶ (۱۹۷۶) و داینر و همکاران^۷ (۱۹۹۵) حاکی از یک همبستگی کوچک، اما معنی دار بین تحصیلات و شادی می‌باشد. آن‌ها اظهار می‌دارند که همبستگی به دست آمده بین تحصیلات و شادی را می‌توان به نقش تحصیلات در ایجاد علایق وسیع‌تر که منجر به فراهم آمدن منابع شادی بیشتر می‌گردد، نسبت داد. از طرفی، بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادی، از همبستگی تحصیلات با کسب جایگاه اجتماعی مناسب‌تر، موفقیت شغلی و درآمد ناشی از آن ایجاد می‌شود. حال در صورتی که انتظارات فرد در این مورد تحقق نیابد و افراد با تحصیلات بالاتر نتوانند به شغل مورد نظر خود دست یابند، کاهش میزان شادکامی ناشی از بیکاری در آن‌ها شدیدتر خواهد بود. کلارک و اسوالد^۸ در پژوهشی نشان داده‌اند، افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افرادی که از سطح تحصیلات کمتری برخوردارند، زمانی که بیکار می‌شوند، بیشتر دچار بحران روحی، تنش و اضطراب شده و یا به عبارت دیگر بیشتر آسیب می‌بینند. جدا از مسأله کار، این گروه افراد به دلیل سطح توقعات و انتظارات بالاتر، بیشتر آزار می‌بینند؛ بنابراین در صورتی که توقعات و انتظارات افراد برآورده نشود، تحصیلات می‌تواند با رفاه افراد تداخل ایجاد کند. برآورده نشدن انتظارات نیروی کار به دلیل بیکاری و یا نامناسب بودن شغل از نظر نامرتب بودن با رشته تحصیلی، سطح پایین دستمزد، به ناتوانایی در به‌کارگیری آموزه‌های نظری

1 - Knabe & Ratzel

2 - Ruprah & Luengas

3 - Sacks et al.

4 - Diener et al.

5 - Argyle & Lu

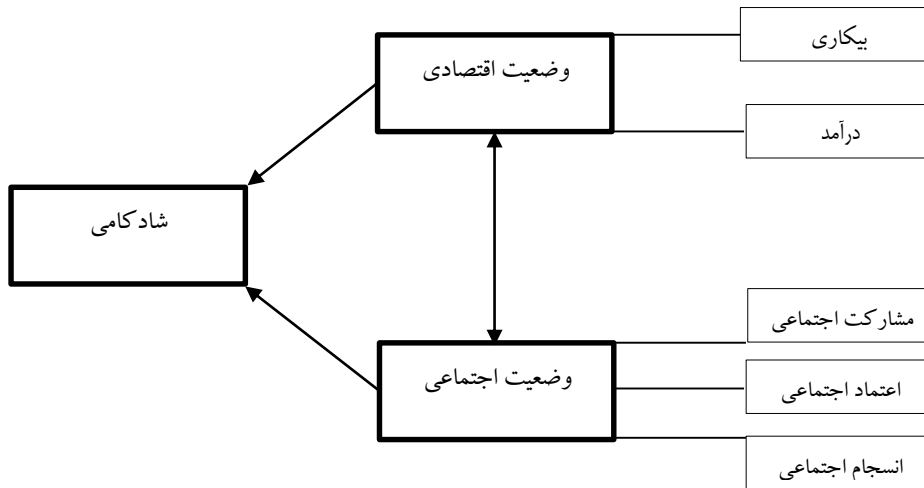
6 - Campbell, et. al.

7 - Diener, et. al.

8 - Clark & Oswald

به صورت عملی، منجر می شود تا تأثیر تحصیلات بر رضایت مندی و شادی تبدیل به یک فاکتور بی معنی و حتی منفی شود (کلارک و اسوالد، ۱۹۹۴).

با استناد به نظریه های مرتبط با شادی، پیشینه مورد بررسی و چارچوب مفهومی، رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته این پژوهش را می توان به شیوه زیر صورت بندی کرد:



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

به نظر می رسد میان عوامل اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و عوامل اقتصادی (بیکاری و درآمد) و میزان شادی جمعیت فعال شهر تهران رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۱. به نظر می رسد میزان اعتماد اجتماعی بالاتر به طور مستقیم با افزایش شادی رابطه دارد.
۲. به نظر می رسد میزان انسجام اجتماعی بالاتر به طور مستقیم با افزایش شادی رابطه دارد.
۳. به نظر می رسد میزان مشارکت اجتماعی بالا به طور مستقیم با افزایش شادی رابطه دارد.
۴. به نظر می رسد میزان بیکاری بالا با کاهش شادمانی همبستگی دارد.
۵. به نظر می رسد میزان درآمد بالاتر به طور مستقیم با افزایش شادی رابطه دارد.
۶. به نظر می رسد متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات با شادی رابطه دارند.
۷. به نظر می رسد بیکاری در افراد با تحصیلات بالاتر با کاهش بیشتر شادمانی همبستگی دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ مسیر پیمایشی و به لحاظ ماهیت از نوع همبستگی است. برای جمع آوری اطلاعات دو روش اسنادی و میدانی به کار گرفته شده است. از روش اسنادی برای جمع آوری اطلاعات در زمینه ادبیات و پیشینه پژوهش استفاده و از روش به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات برای تجزیه و تحلیل، از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده است. پرسشنامه مورد استفاده برای این تحقیق، در بخش شادی بر اساس پرسشنامه آکسفورد و در بخش سرمایه اجتماعی، محقق ساخته می باشد.

جامعه آماری این پژوهش جمعیت فعال شهر تهران (افراد ۶۵-۱۸ سال) است که تعداد آنها بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، ۱،۱۷۸،۱۷۸ نفر می‌باشد. برای انتخاب حجم نمونه تحقیق نیز از فرمول کوکران استفاده شده که بر اساس محاسبه این فرمول تعداد $n=382$ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین صورت که افراد از اقشار مختلف ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در تکمیل پرسشنامه نقش داشته باشند.

جهت تعیین روایی صوری پرسشنامه‌های این پژوهش، از اساتید متخصص نظرخواهی به عمل آمد که پس از اعمال نظرات آنها، پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و برای تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج خروجی این آزمون مطابق جدول شماره ۱ به شرح ذیل است:

جدول (۱): تعیین آلفای کرونباخ پرسشنامه

متغیرها	تعداد گویه‌ها	شماره گویه‌ها	آلفای کرونباخ	نتیجه
شادی	۱۳	۱ تا ۱۳	۰/۸۴۷	قابل اعتماد است
اعتماد اجتماعی	۶	۳۱ تا ۲۶	۰/۷۴۹	قابل اعتماد است
انسجام اجتماعی	۷	۲۰ تا ۱۴	۰/۷۸۷	قابل اعتماد است
مشارکت اجتماعی	۵	۲۵ تا ۲۱	۰/۷۹۱	قابل اعتماد است

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، آلفای کرونباخ برای پرسشنامه شادی ($\alpha=0/847$)، اعتماد اجتماعی ($\alpha=0/749$)، انسجام اجتماعی ($\alpha=0/787$) و مشارکت اجتماعی ($\alpha=0/791$) به دست آمده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار تحقیق می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

متغیر وابسته: شادی

در این مقاله جهت سنجش شادی با استفاده از پرسشنامه استاندارد اصلاح شده آکسفورد، میانگین نمرات ۱۳ گویه در پنج عامل رضایت از زندگی، رضایت خاطر، حرمت خود، خلق مثبت و انرژی مثبت سنجیده می‌شود؛ بنابراین برای هر پاسخ‌گو مقادیر شاخص شادی بین یک تا ۵ تغییر می‌کند. ویژگی‌های آماری این متغیر در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲): آمار توصیفی شادی

	حد اقل	حد اکثر	میانگین	انحراف استاندارد
شادی	۱/۶۹	۴/۴۱	۳/۱۸	۰/۵۳

متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات می‌باشند. از ۳۸۲ نفر نمونه تحقیق ۵۱/۶ درصد (۱۹۷ نفر) زن و ۴۸/۴ درصد (۱۸۵ نفر) مرد هستند. توزیع فراوانی سن نمونه‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۴ تا ۴۱ سال (۲۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به سنین ۵۸ تا ۶۵ سال (۲/۹ درصد) بوده است. همچنین ۳۷/۵ درصد (۱۴۳ نفر) از نمونه مورد نظر مجرد و ۶۲/۵ درصد (۲۳۹ نفر) متأهل بودند. در بررسی میزان تحصیلات نمونه تحقیق مشاهده شد که ۵۹/۵ درصد از حجم نمونه (۲۲۷ نفر) دارای مدارک کارشناسی و یا کارشناسی ارشد هستند. ۲۹/۶ درصد (۱۱۳ نفر) سطح تحصیلاتی پایین‌تر از کارشناسی دارند و ۱۰/۹ درصد (۴۲ نفر) دانشجوی دکترا و یا فارغ‌التحصیل این مقطع می‌باشند. جزییات بیشتر در رابطه با وضعیت متغیرهای زمینه‌ای در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	فروانی	درصد
جنسیت	زن	۱۹۷ / ۵۱/۶
	مرد	۱۸۵ / ۴۸/۴
سن	۱۸ تا ۲۵ سال	۵۴ / ۱۴/۱
	۲۶ تا ۳۳ سال	۱۰۳ / ۲۶/۹
	۳۴ تا ۴۱ سال	۱۰۷ / ۲۸/۰
	۴۲ تا ۴۹ سال	۷۳ / ۱۹/۱
	۵۰ تا ۵۷ سال	۳۴ / ۸/۹
	۵۸ تا ۶۵ سال	۱۱ / ۲/۹
وضعیت تأهل	متأهل	۲۳۹ / ۶۲/۵
	مجرد	۱۴۳ / ۳۷/۵
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۵ / ۳/۹
	دیپلم	۷۷ / ۲۰/۲
	کاردانی	۲۱ / ۵/۵
	کارشناسی	۱۱۶ / ۳۰/۴
	کارشناسی ارشد	۱۱۱ / ۲۹/۱
	دانشجوی دکتری	۲۰ / ۵/۲
	دکتری	۲۲ / ۵/۷

متغیرهای اجتماعی

در این پژوهش سرمایه اجتماعی؛ شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده است. برای سنجش این متغیرها از میانگین نمرات پرسشنامه شامل ۶ گویه در بخش اعتماد اجتماعی، ۷ گویه در بخش انسجام اجتماعی و ۵ گویه در بخش مشارکت اجتماعی استفاده می‌شود. خصوصیات آماری این متغیرها در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول (۴): آمار توصیفی متغیرهای اجتماعی

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰/۵۸	۳/۶۸	۵/۰۰	۱/۸۵	انسجام اجتماعی
۰/۷۷	۳/۲۸	۵/۰۰	۱/۰۰	مشارکت اجتماعی
۰/۵۸	۳/۳۳	۵/۰۰	۱/۳۳	اعتماد اجتماعی

متغیرهای اقتصادی

عوامل اقتصادی مورد بررسی در این تحقیق، شامل بیکاری (عدم اشتغال) و درآمد خانوار است. از ۳۸۲ نفر نمونه تحقیق ۶۷/۵ درصد (۲۵۸ نفر) شاغل و ۳۲/۵ درصد (۱۵۶ نفر) بیکار (غیر شاغل) بوده‌اند. بر اساس داده‌های استخراج شده در میان پاسخ‌دهندگان ۲۵/۴ درصد (۱۹۶ نفر) درآمد ماهیانه خانوار آن‌ها کمتر از ۳ میلیون تومان، ۳۵/۸ درصد (۱۳۷ نفر) میزان درآمد ماهیانه خانوار آن‌ها بین ۳ تا ۶ میلیون تومان و ۳۸/۸ درصد (۴۹ نفر) از نمونه‌های تحقیق درآمد ماهیانه‌ای بیشتر از ۶ میلیون تومان داشته‌اند. جزئیات بیشتری در این رابطه در جدول ۵ ارائه شده‌اند.

جدول (۵): توزیع نسبی پاسخ گویان بر حسب ویژگی های اقتصادی

متغیر	فروانی	درصد
وضعیت اشتغال	شاغل	۶۷/۵
	بیکار (غیر شاغل)	۳۲/۵
وضعیت درآمد خانوار	یک میلیون تومان و کمتر	۳/۷
	۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۲/۲
	۲ تا ۳ میلیون تومان	۲۵/۴
	۳ تا ۴ میلیون تومان	۱۲/۰
	۴ تا ۵ میلیون تومان	۱۶/۷
	۵ تا ۶ میلیون تومان	۷/۱
	۶ تا ۷ میلیون تومان	۴/۲
	۷ تا ۸ میلیون تومان	۳/۱
	۸ تا ۹ میلیون تومان	۲/۴
	بیشتر از ۹ میلیون تومان	۳/۱

الگو و نتایج برآورد آن

تحلیل رگرسیون به عنوان روشی کاربردی در تحلیل داده‌ها در بسیاری از مطالعات علوم اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این بخش با استفاده از رگرسیون مقطعی تأثیر متغیرهای بالقوه مطرح شده در بخش قبل را بر شادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های مورد بررسی در پژوهش داده‌های مقطعی افراد ۶۵-۱۸ سال شهر تهران است که به منظور تحلیل آماری آن از روش اقتصادسنجی و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار Eviews و برآوردگر حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. بدین منظور الگوی زیر مورد تخمین قرار می‌گیرد.

$$(۱) \text{Hap}_i = \alpha + \beta_1 S_i + \beta_2 O_i + \beta_3 M_i + \beta_4 ED_i + \beta_5 U_i + \beta_6 I_i + \beta_7 SC_i + \beta_8 SP_i + \beta_9 ST_i + v_i$$

در این معادله S: جنسیت؛ O: سن؛ M: وضعیت تأهل؛ ED: تحصیلات؛ U: بیکاری؛ I: سطح درآمد ماهیانه خانوار؛ SC: انسجام اجتماعی؛ SP: مشارکت اجتماعی؛ ST: اعتماد اجتماعی و V: جز خطا را نشان می‌دهد.

جهت آزمون فرضیات پژوهش مبنی بر وجود اثر معنادار متغیرهای توضیح دهنده بر شادکامی رگرسیون فوق مورد برآورد قرار گرفته و نتایج آن تحت عنوان مدل ۱ در جدول شماره ۶ آمده است.

بر اساس نتایج حاصل از تخمین مدل ۱، در میان متغیرهای زمینه‌ای تنها متغیر میزان تحصیلات بر شادکامی اثر معناداری داشته است. منفی بودن ضریب حاصل نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات، شادی کاهش می‌یابد. این یافته پژوهش در نگاه اول می‌تواند خلاف انتظار به نظر رسد اما بررسی نظریات موجود نشان می‌دهد، تحصیلات می‌تواند دو اثر مختلف بر شادی داشته باشد. تحصیلات افراد را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند که منزلت اجتماعی مناسب‌تر، موفقیت شغلی و درآمد بالاتری را به دست آورند؛ اما از سوی دیگر انتظارات فرد را بالا می‌برد. اگر افراد با تحصیلات بالاتر نتوانند به جایگاه مورد نظر خود دست یابند، کاهش میزان شادکامی در آن‌ها شدیدتر خواهد بود. در ایران طبق آمارهای اعلام شده از طرف مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶ سهم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از بیکاری کشور ۴۰/۵ درصد است و متأسفانه در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است. بیکاری افراد دارای تحصیلات عالی در سه دهه گذشته حدود ۴ برابر شده است. نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان در این سال ۱۹/۴ درصد بوده است که این نرخ بیشتر از نرخ بیکاری کل که معادل با ۱۲/۱ درصد است، می‌باشد؛ بنابراین شواهد نشان می‌دهد که بیکاری در

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شدت بیشتری دارد. طبق نظریات موجود این مسأله می‌تواند منجر به کاهش هرچه بیشتر سطح شادی در افراد شود. کلارک و اسوالد (۱۹۹۴) نشان داده‌اند که افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افراد کم‌سوادتر زمانی که بیکار می‌شوند بیشتر دچار بحران روحی می‌شوند، یا به عبارت دیگر آسیب‌پذیرترند. از طرف دیگر این افراد به دلیل سطح توقعات بالاتر بیشتر آزار می‌بینند. از این رو یکی از فرضیاتی که می‌تواند در زمینه منفی بودن ضریب تحصیلات مطرح باشد، بیکاری تحصیل‌کردگان است. با توجه به تأثیر منفی و معنادار بیکاری بر شادی که در این مدل مورد تأیید قرار گرفته است، می‌توان فرضیه فوق را با استفاده از اثر تعاملی بیکاری و تحصیلات در مدل وارد کرد. در این روش با در نظر گرفتن ضرب دو متغیر بیکاری و سطح تحصیلات، ضریب بیکاری می‌تواند ثابت نباشد و بر اساس میزان تحصیلات تغییر یابد؛ بنابراین مدل ۲ با اضافه شدن این اثر برآورد شده است.

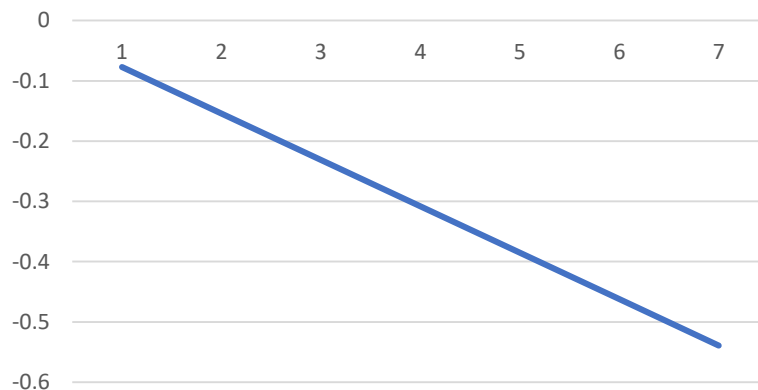
جدول (۶): آمار توصیفی متغیرهای اجتماعی

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲
C	1.575*** (7.595)	1.499*** (7.175)
S	-0.074 (1.592)	-0.052 (1.091)
O	-0.003 (1.268)	-0.003 (1.256)
M	0.078 (1.478)	0.077 (1.466)
E	-0.064*** (3.870)	-0.034 (1.627)
U	-0.241*** (4.405)	0.047 (0.347)
I	0.032*** (2.941)	0.030*** (2.734)
SC	0.289*** (6.511)	0.284*** (6.443)
SP	0.115*** (3.457)	0.109*** (3.278)
ST	0.142*** (3.112)	0.136*** (2.990)
E*U	-	-0.077** (2.297)
F-statistic	22.879***	21.355***
Jarque-bera test prob	0.568	0.628
Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey prob	0.130	0.280
*** معنی‌داری ضریب در سطح ۹۹ درصد، ** معنی‌داری ضریب در سطح ۹۵ درصد و * معنی‌داری ضریب در سطح ۹۰ درصد است. اعداد داخل پرانتز آماره t است.		

در مدل ۲ ضرایب دو متغیر بیکاری و تحصیلات از معناداری لازم برخوردار نبوده است، اما ضریب تعاملی این دو متغیر معنادار و منفی برآورد شده است. بر این اساس هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد، بیکاری اثر منفی بزرگ‌تری بر شادی خواهد داشت و یا از طرف دیگر تحصیلات اگر توأم با بیکاری شود به‌طور معناداری سبب کاهش شادی فرد می‌گردد. این نتیجه فرضیه مورد آزمون پژوهش را که بیکاری تحصیل‌کردگان اثر منفی بر شادی دارد، مورد تأیید قرار می‌دهد.

برای درک شهودی ضریب به دست آمده از اثر تعاملی دو متغیر بیکاری و تحصیلات می‌توان از نمودار ۱ استفاده نمود این نمودار ضریب اثرگذاری بیکاری را در سطوح مختلف تحصیلات نشان می‌دهد. با توجه به اینکه در این پژوهش تحصیلات در ۷ سطح مختلف در نظر گرفته شده است (در جدول ۳ این سطوح مختلف ارائه شده است)، این نمودار ضریب بیکاری را در هر یک از این

سطوح نشان می‌دهد. محور افقی بیانگر سطح بیکاری و محور عمودی ضریب بیکاری را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود هر چه سطح تحصیلات افزایش می‌یابد، اثر منفی بیکاری بر شادی نیز بیشتر می‌شود.



نمودار (۱): ضریب اثرگذاری بیکاری بر شادی (بر اساس سطح تحصیلات)

یافته‌های هر دو مدل ۱ و ۲ در مورد سایر متغیرها نتایج مشابهی را داشته است. بدین صورت که ضریب سایر متغیرهای زمینه‌ای در هر دو الگو غیر معنادار بوده بنابراین تأثیر این متغیرها بر شادی مورد تأیید نمی‌باشد. مطابق با انتظار اثر درآمد خانوار بر شادکامی مثبت بوده است. این نتیجه با یافته‌های سایر مطالعات تجربی نظیر آرگایل و لو (۱۹۹۰)، آبوت و ساپسفورد (۲۰۰۶)، نابه و راتزل (۲۰۱۰)، محمدیان منصور و همکاران (۱۳۹۴) و منتظری و همکاران (۱۳۹۷) تطابق دارد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میان انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و شادی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. بدین معنا که با افزایش هر کدام از این متغیرها، میزان شادی نیز افزایش می‌یابد. داشتن ارتباط مؤثر و مناسب برای انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اساساً شأن انسانی از طریق ارتباط تجلی و ظهور می‌یابد؛ بنابراین هرچه میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، شادی افزایش یافته است. این نتیجه نیز با یافته‌های سایر مطالعات تجربی مانند زارع (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۹۵)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، هالر و هادلر (۲۰۰۶) و بارتولینی و سارکینو (۲۰۱۱) تطابق دارد و همگی بر تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر شادی اذعان دارند.

در مجموع نتایج آزمون‌های تشخیصی ارائه شده در انتهای جدول نیز نشان می‌دهد بر اساس سطح عدم اطمینان آزمون F که معناداری کل مدل را بررسی می‌کند، این الگوها از معناداری کلی برخوردارند. از طرف دیگر مشکل واریانس ناهمسانی در اجزای خطا وجود ندارد و دارای ویژگی نرمال بودن جملات خطا می‌باشد. از این رو فروض کلاسیک رگرسیون برای یک الگوی مقطعی برقرار بوده و می‌توان به الگوهای برآورد شده اعتماد نمود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جامعه‌ای که می‌خواهد پیشرفت کند و به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد، لازم است شهروندانی شاد و بانشاط داشته باشد. داشتن جامعه‌ای شاداب برای سیاست‌گذاران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... فرصتی مغتنم شمرده می‌شود که می‌تواند آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری نماید. از طرفی شناخت عوامل مهم اثرگذار بر شادی می‌تواند به سیاست‌گذاری مناسب جهت ارتقای سطح شادکامی در افراد جامعه بیانجامد. این موضوع به‌خصوص در ایران که از نظر شاخص‌های مربوط به شادکامی در وضعیت مناسبی قرار ندارد ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده تا تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی در کلان‌شهر تهران مورد مطالعه قرار گیرد. چراکه زندگی پرهیاهو در کلان‌شهرها، به دلیل شتاب روزافزون

سرعت زندگی و بروز مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان، افراد را مستعد خمودگی، افسردگی و احساس ناخشنودی ساخته و این امر سلامت روانی افراد و در نتیجه سلامت جامعه را از ابعاد مختلف مورد تهدید قرار می‌دهد. در این مطالعه دو الگو به‌طور مجزا مورد برآورد قرار گرفته است. در الگوی نخست شادی به‌عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرها شامل؛ انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، درآمد، بیکاری و متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات، به‌عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نتایج دو متغیر بیکاری و تحصیلات اثر منفی و معناداری بر شادی داشته‌اند. همچنین تأثیر درآمد، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با شادی، مثبت و معنادار بوده است. این در حالی است که میان جنسیت، وضعیت تأهل و سن با شادی رابطه معناداری وجود نداشته است. در حقیقت این یافته‌ها نشان می‌دهد، شادی فارغ از متغیرهایی نظیر جنس، سن و تأهل است.

طبق نظریات موجود در زمینه تحصیلات به‌خصوص مطالعه کلارک و اسوالد (۱۹۹۴) بیکاری افراد تحصیل کرده می‌تواند سبب کاهش شدید شادکامی در این افراد شود از این رو در پژوهش حاضر با اضافه کردن ضرب متغیرهای بیکاری و تحصیلات این فرضیه در الگوی دوم مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج برآورد نشان می‌دهد با کنترل این اثر ضرایب متغیرهای بیکاری و تحصیلات غیر معنادار برآورد شده است. در حالی که اثر منفی بیکاری تحصیل کردگان مورد تأیید قرار گرفته است. بدین صورت که تأثیر منفی متغیر بیکاری با افزایش سطح تحصیلات بیشتر می‌شود. بر این اساس اگرچه بیکاری و تحصیلات به تنهایی اثر معناداری بر شادی نداشته‌اند؛ اما هنگامی که هم‌زمان برای فرد تحقق می‌یابند موجب ناشادی افراد می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بیکاری غیرارادی در افراد با تحصیلات بالاتر می‌تواند عاملی جهت نارضایتی آنان و ارتباط منفی بین تحصیلات و شادی گردد.

سیاست توسعه کمی دانشگاه‌های کشور به ویژه در یک دهه اخیر سبب افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده است. شواهد آماری نشان می‌دهد که این افراد پس از فراغت از تحصیل با مانع مستحکم بیکاری روبرو می‌شوند. بیکار ماندن تحصیل کردگان سبب بروز حالات افسردگی، بی‌هدفی، ناامیدی، بی‌انگیزگی و بی‌ارزشی برای این قبیل افراد می‌شود. اجرای این گونه سیاست‌های آموزشی بدون در نظر گرفتن نیاز و کشش بازار کار منجر به آسیب‌های اجتماعی و کاهش میزان شادکامی در جامعه می‌گردد که این مسأله به صورت تجربی در مقاله حاضر مورد تأیید قرار گرفته است.

منابع

۱. آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). روان‌شناسی شادی. ترجمه مسعود گوهری انارکی و دیگران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. افشاری، زهرا؛ دهمرده، لعیبا. (۱۳۹۳). بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی. دوره ۲. شماره ۴. صص ۵۹-۳۱.
۳. امیرکافی، مهدی. (۱۳۷۴). اعتماد اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. امیرمظاهری، امیرمسعود؛ فخاریان، منا. (۱۳۹۵). نقش سرمایه اجتماعی در شادی جوانان (مورد مطالعه دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی تهران مرکز). مطالعات جامعه‌شناسی. سال ۹. شماره ۳۳. صص ۲۴-۷.
۵. پسندیده، عباس. (۱۳۹۵). الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا. چاپ سوم. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث- سازمان چاپ و نشر.
۶. خورسندی، مرتضی؛ عزیزی، زهرا. (۱۳۹۵). برآورد آستانه تأثیر بیکاری بر شادی. سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی. سال ۳. شماره ۷. صص ۷۹-۵۹.
۷. دهقانی، حمید. (۱۳۹۰). رابطه مشارکت اجتماعی و شادی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

۸. ربانی، علی؛ ربانی، رسول؛ گنجی، محمد. (۱۳۹۰). رویکردی جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. مسائل اجتماعی ایران. سال ۲، شماره ۱. صص ۳۹-۷۳.
۹. زارع، بهنام. (۱۳۹۰). بررسی شادکامی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر کرمان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۰. سهراب‌زاده، مهران؛ حسینی‌زاده، سید سعید؛ امامعلی‌زاده، حسین؛ سخایی، ایوب. (۱۳۹۵). سرمایه و شادی؛ پژوهشی در باب ارتباط میان سرمایه اجتماعی و فرهنگی با احساس شادی (مورد مطالعه: شهروندان شهرستان آران و بیدگل). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۲۸. صص ۱۵۰-۱۱۷.
۱۱. عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ کوهی، کمال؛ علی‌پور، پروین. (۱۳۹۵). انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در تبیین دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز). رفاه اجتماعی. سال ۱۳، شماره ۵۱. صص ۲۴۴-۲۱۵.
۱۲. عسگری‌زاده، دنیا. (۱۳۸۹). ارتباط شادمانی و فناوری ارتباطات و اطلاعات بر رشد اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.
۱۳. فتاحی، شهرام؛ کرمی، جهانگیر؛ محمدی‌راد، منصور. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شادی و بهره‌وری نیروی کار (مطالعه موردی کارگاه‌های صنعتی شهرستان کرمانشاه). مدیریت بهره‌وری. سال ۹، شماره ۳۶. صص ۷-۳۶.
۱۴. کریمی فیروزجایی، سپیده. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با شادی شهروندان در شهر بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
۱۵. گنجی، محمد. (۱۳۸۷). تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان احساس سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
۱۶. متوسلی، محمود؛ زبیری، هدی. (۱۳۹۲). انسجام اجتماعی؛ منشأ توسعه اقتصادی. توسعه روستایی. دوره ۵، شماره ۲. صص ۷۴-۴۹.
۱۷. محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش. شماره ۱. صص ۱۰۹-۹۰.
۱۸. محمدیان منصور، صاحب؛ گلخندان، ابوالقاسم؛ خوانساری، مجتبی؛ گلخندان، داود. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادی (یک تحلیل اقتصادسنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. دوره ۷، شماره ۲۵. صص ۱۶۴-۱۲۵.
۱۹. منتظری، علی و همکاران. (۱۳۹۱). میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران. پیش. دوره ۱۱، شماره ۴. صص ۴۶۷-۴۶۷.
۲۰. منتظری، علی و همکاران. (۱۳۹۷). شادکامی زنان و مردان ایرانی ۲۰ تا ۴۰ ساله و عوامل مرتبط با آن: یک مطالعه ملی. پیش. سال ۱۷، شماره ۴. صص ۴۲۰-۴۰۹.
۲۱. نصرتی‌زاد، فرهاد؛ سخایی، ایوب؛ شریفی، حجت. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی جوانان و میزان شادکامی آنان. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. دوره ۴، شماره ۲. صص ۱۶۷-۱۴۳.
۲۲. نیلی، فرهاد؛ بابازاده خراسانی، بهزاد. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران. پژوهش‌های پولی و بانکی. سال ۶، شماره ۱۴. صص ۴۸-۲۷.
23. Abbott, P., & Sapsford, R. (2006). Life-satisfaction in post-Soviet Russia and Ukraine. *Journal of Happiness Studies*, 7(2), 251-287.
24. Agan, Y. Sevinc, E. & Orhan, M. (2016). Impact of Main Macroeconomic Indicators on Happiness. *European Journal of Economic and Political Studies*, 2(2), 13-21.
25. Argyle, M. & Lu, L. (1990). The happiness of extraverts. *Personality and individual differences*, 11(10), 1011-1017.
26. Argyle, M. (2001). Personality, self-esteem and demographic predictions of happiness and depression. *The Psychology of Happiness*.
27. Bartolini, S. & Sarracino, F. (2011). Happy for How Long? How Social Capital and GDP Relate to Happiness over Time. Department of Economics University of Siena. Working Paper. 261.
28. Baucells, M. & Sarin, R. K. (2008). Does more money buy you more happiness? In *Decision Modeling and Behavior in Complex and Uncertain Environments* (pp. 199-226). Springer, New York, NY.
29. Bjørnskov, C. (2008). Social capital and happiness in the United States. *Applied Research in Quality of Life*, 3(1), 43-62.
30. Campbell, A. Converse, P. E. & Rodgers, W. L. (1976). *The quality of American life: Perceptions, evaluations, and satisfactions*. Russell Sage Foundation.
31. Clark, A. E. & Oswald, A. J. (1994). Unhappiness and unemployment. *The Economic Journal*, 104(424), 648-659.
32. Diener, E. Tay, L. & Oishi, S. (1992). Rising Income and the Subjective Well-Being of Nations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 104 (2): 267-276.
33. Easterlin, R. A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. In David P.A. and Reder, M.W. (eds). *Nations and Households in Economic Growth: Essays in Honour of Moses Abramowitz*, Academic Press, New York and London, 89-125
34. Haller, M. & Hadler, M. (2006). How social relations and structures can produce happiness and unhappiness: An international comparative analysis. *Social Indicators Research*, 75(2), 169-216.

35. Knabe, A. & Rätzel, S. (2010). Income, happiness, and the disutility of labor. *Journal of Economics Letters*. 107 (1): 77-79.
36. Legatum Institute. (2018). The Legatum Prosperity Index 2018- Creating the Pathways from Poverty to Prosperity. URL: <http://www.prosperity.com>
37. Ruprah, I. J. & Luengas, P. (2011). Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*. 40(1). 59-66.
38. Sachs, J. D. Layard, R. & Helliwell, J. F. (2018). World Happiness Report 2018 (No. id: 12761).
39. Sacks, D. W. Stevenson, B. & Wolfers, J. (2012). The New Stylized Facts about Income and Subjective Well-Being. *Emotion*. 12 (6): 1181-1187.
40. Seligman, M. E. & Royzman, E. (2003). Happiness: The three traditional theories. *Authentic Happiness Newsletter*. (July).
41. Tian, Guoqiang & Yang, Liyan. (2008). How are Income and Non-Income Factors Different in Promoting Happiness? An Answer to the Easterlin Paradox Texas. A & M University Department of Economics and Rotman School. University of Toronto, URL: <http://papers.ssrn.com>
42. Veenhoven, R. (1988). The utility of happiness. *Social Indicators Research*. 20. 254-333.